



عبدالکریم بی آزار شیرازی

می آید تا خانه خدا را نجس کند. حالت تهوع آن مرد شیعه را حمل بر نجس کردن خانه خدا کردند! در صورتی که اگر این مرد، شیعه نبود این سوء تفاهم پیش نمی آمد و اگر شیعه را آنطور که هست می شناختند، این فاجعه تأسف انگیز روی نمی داد.

این واقعه، یک فاجعه فردی نبود و بلکه نمونه ای بود از احساسات بی اساس مخالف

ایادی استعمار آنچنان میان شیعه و سنی در مناسک حج بیگانگی و تفرقه ایجاد کرده بودند که در موسم حج سال ۱۳۲۲ در مکه - حرم امن و امان و جایی که حتی حشرات و وحوش از تعرض در امانند - یک نفر شیعه را به حکم قاضی القضاة حجاز، به اتهام نجس کردن خانه خدا گردن زدند؛ به گمان اینکه حج شیعه، کربلا و نجف است و شیعه به مکه

یوسف بوعلی، و معه حقیبة کبيرة ذکرتم أنها تحتوى على خمس عشرة نسخة من القرآن الكريم، و على قطع من حزام ستار الکعبة الشريفة، و على ...

... و أن جلالة الملك أمر بإرسالها إلى، فتحیرت في الأمر لأن سيرتي عدم قبول الهدايا من الملوك و العظماء، ولكن اشتمال هذه الهدية على القرآن الكريم و ستار الکعبة الشريفة؛ ألزمني قبولها، فأخذت نسخ القرآن الكريم و القطع من حزام ستار الکعبة الشريفة، و أرسلت الحقیبة «بما بقى فيها» إلى جنابکم هدية منى إلى شخصکم، لأكون على ذکر منکم فى أوقات الصلوات و الدعوات، و لما كان أمر الحج فى هذه السنين بيد جلالة الملك؛ أرسلتُ حديثاً طويلاً فى صفة حج رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، رواها مسلم فى صحيحه و أبو داود فى سننه و يستفاد منه أكثر أحكام الحج إن لم يكن كلها، لترسله الى جلالة الملك هدية منى إليه، و تبلغه سلامى و تحياتى، و أسأل الله عز شأنه أن يؤلف بين قلوب المسلمين، و يجعلهم بدأ واحدة على من سواهم، و يوجههم إلى أن يعملوا بقول الله تعالى: «و اعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» و أن يجتنبوا التدابر و التباغض و

و نحوه دادرسی اهل سنت نسبت به شیعه و زنگ خطری برای خطرات بزرگتر به همین خاطر چند سال شیعیان از رفتن به مکه خودداری کردند. ملک سعود بن عبدالعزیز پادشاه سابق عربستان به تهران آمد، و ملاقات مهمی میان وی و دبیر کل دارالتقريب صورت گرفت. و طی چندین ساعت گفتگو ملک سعود را به سوء تفاهمات بی اساس علمای وهابى و اهداف تقرب، واقف کرد. ملک سعود برای جبران فاجعه‌ای که علمای وهابى مرتکب شده بودند چمدانى پر از هدایا که در آنها ۱۵ جلد قرآن کریم و قطعاتی از روپوش خانه کعبه ضمیمه شده بود برای حضرت آیت‌الله‌العظمى حاج آقا حسين بروجردى (ره) فرستاد.

آیت‌الله بروجردى بجز قرآنها و قطعات پرده خانه خدا، بقیه هدایا را همراه با نامه‌ای که اینک از نظر می‌گذرانید توسط سفیر عربستان در تهران پس فرستادند و هدیه ملک سعود را با حدیث مفصلی که وحدت بخش شیعه و سنی در مراسم حج است، پاسخ دادند:

«بسم الله الرحمن الرحيم. سلام الله عليكم و رحمة - أما بعد: فقد بلغنا كتابكم مع السيد

اتباعالشهوات الموجبة لافتراق الكلمة، و
 أن يلتزموا بقول الله. «يا أيها الذين آمنوا إذا
 ضربتم في سبيل الله فتيّنوا، ولا تقولوا لمن
 ألقى إليكم السلام لست مؤمناً تبتغون
 عرض الحياة الدنيا».

والسلام عليكم ورحمة الله.

حسین بروجردی

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام و درود خداوند بر شما باد اما بعد:
 نامه شما همراه با چمدانی بزرگ که
 نوشته بودید محتوی ۱۵ نسخه قرآن کریم و
 تکه هایی از پرده کعبه شریف و هدایای
 دیگر است توسط آقای «یوسف بوعلی»
 رسید. مرقوم داشته بودید که جناب ملک،
 دستور داده اند که آنها را برای من بفرستید. در
 این امر تعجب کردم زیرا روش من این نیست
 که هدایای پادشاهان و بزرگان را بپذیرم،
 ولی از آنجا که این هدیه مشتمل بر قرآن کریم
 و پرده کعبه شریف بود ملزم به قبول آن شدم
 و نسخ قرآن کریم و قطعات پرده کعبه شریف
 را برداشتم و چمدان را با محتویاتش هدیه ای
 باشد به جنابعالی از سوی من، باشد که مرا در
 اوقات نماز و دعا یاد کنید.

و چون امر حج در این سالها به دست
 جناب ملک است، حدیثی طولانی در وصف
 و چگونگی حج پیامبر خدا (ص) را
 می فرستم، که آن را مسلم در صحیحش و
 ابوداود در سننش روایت کرده است و بیشتر
 احکام حج از آن استفاده می شود؛ اگر نگویم
 تمامی احکام حج، تا هدیه ای باشد از جانب
 من برای جناب ملک. از خداوند عز شأنه
 می خواهم که دلهای مسلمانان را به یکدیگر
 پیوند دهد و آنان را در برابر بیگانگان، پند
 واحده قرار دهد، و متوجه عمل به فرموده
 خدای تعالی گرداند که می فرماید:

«واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا»

«همگی به رسمان محکم الهی چنگ زنید و
 پراکنده نشوید.»

و از پشت کردن به یکدیگر و دشمنی و
 پیروی از هواهای نفسانی که موجب افتراق
 کلمه می شود اجتناب ورزند، و همگی به
 گفته خداوند ملزم شوند که می فرماید:

«يا أيها الذين آمنوا إذا ضربتم في سبيل الله
 فتينّوا، ولا تقولوا لمن ألقى إليكم السلام لست
 مؤمناً تبتغون عرض الحياة الدنيا».

«ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که
 در راه خدا گام برمی دارید نسبت به طرف مقابل
 تحقیق کنید، و به کسی که اظهار صلح و اسلام

- امام صادق نقل کرده‌اند عبارتند:
- ۱- صحیح مسلم (۲۰۴-۲۶۱ ق) ج ۸، ص ۱۷۰.
 - ۲- سنن ابوداود (۲۰۲-۲۷۵ ق) ج ۱.
 - ۳- سنن دارمی (۱۸۱-۲۵۵ ق) ج ۲، ص ۴۴.
 - ۴- سنن ابن ماجه (۲۰۷-۲۷۵ ق) ج ۲، ص ۱۰۲۲.
 - ۵- مسند احمد بن حنبل (۱۶۴-۲۴۱ ق) ج ۳، ص ۳۲۰.
 - ۶- سنن نسائی (۲۱۵-۳۰۳ ق) ج ۵.
 - ۷- السنن الکبری بیهقی (۳۸۴-۴۵۸ ق) ج ۵، ص ۶.
 - ۸- الکافی، کلینی ج ۴، ص ۲۴.
 - ۹- تهذیب الاحکام، شیخ طوسی ج ۵، ص ۴۵۴.
 - ۱۰- من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۱۵۳ و ۱۵۵.
 - ۱۱- الموطاء، مالک (۹۳-۱۷۹ ق) ص ۲۳۸، ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۵۶.
 - ۱۲- طبقات الفقهاء، واقدی (۱۶۸-۲۳۰ ق) ج ۲، ص ۱۷۷، ۱۸۶.
 - ۱۳- جامع ترمذی، ج ۴، ص ۳۰، ۳۳، ۸۸، ۹۰، ۹۴، ۹۹.
 - ۱۴- المستدرک علی الصحیحین،

می‌کند نگوید: مسلمان نیستی، آن هم به طمع اینکه سرمایه ناپایدار دنیا را به غنیمت گیرید.»
والسلام علیکم ورحمة الله^۱
حسین بروجردی

حدیث اهدایی آیت الله بروجردی به برادران اهل سنت

حجة الاسلام والمسلمین واعظزاده خراسانی دبیر کل «مجمع التقریب» درباره حدیث حج پیامبر (ص) اهدایی آیت الله العظمی بروجردی رساله‌ای تحقیقی تحت عنوان «حج در سنت» نوشته‌اند که به فارسی و عربی چاپ و منتشر شده است.

این حدیث طولانی که مجامع حدیثی شیعه و سنی بجز بخاری آن را نقل کرده‌اند حدیثی است مشترک بین شیعه و سنی که همگی آن را از امام صادق و امام باقر (ع) از جابر صحابی رسول خدا نقل کرده‌اند. در این حدیث، حج تعلیمی پیامبر اکرم (ص) در حجة الوداع از اول تا آخر توصیف شده است و محور و منبعی برای اکثر احکام حج بلکه تمامی آن، میان همه مذاهب اسلامی اعم از شیعه و سنی است.

از جمله منابعی که مناسک حج پیامبر (ص) را در حجة الوداع از امام باقر و

فَأَذَّنَ فِي النَّاسِ فِي الْعَاشِرَةِ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَاجٌّ. فَقَدِمَ الْمَدِينَةَ بَشْرًا كَثِيرًا. كُلُّهُمْ يَلْتَمِسُ أَنْ يَأْتِمَّ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَيَعْمَلَ بِمِثْلِ عَمَلِهِ. فَخَرَجَ وَخَرَجْنَا مَعَهُ. فَأَتَيْنَا ذَا الْحُلَيْفَةِ. فَوَلَدَتْ أَسْمَاءَ بِنْتَ عُمَيْسِ مُحَمَّدَ بْنَ أَبِي بَكْرٍ فَأَرْسَلَتْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: كَيْفَ أَضْنَعُ؟ قَالَ «اغْتَسِلِي وَاسْتَنْفِرِي بِتَوْبٍ وَأَخْرِمِي». فَصَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْمَسْجِدِ ثُمَّ رَكِبَ الْقَصْوَاءَ. حَتَّى إِذَا اسْتَوَتْ بِهِ نَاقَتُهُ عَلَى انْتِدَاءِ (قَالَ جَابِرٌ) تَنَزَّتْ إِلَى مَدِّ بَصْرِي مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ، بَيْنَ زَاكِبٍ وَمَاشٍ. وَعَنْ يَمِينِهِ مِثْلُ ذَلِكَ، وَعَنْ يَسَارِهِ مِثْلُ ذَلِكَ وَمِنْ خَلْفِهِ مِثْلُ ذَلِكَ. وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَ أَظْهُرِنَا وَعَلَيْهِ نَزَلُ الْقُرْآنُ وَهُوَ يَغْرِفُ تَأْوِيلَهُ. مَا عَمِلَ بِهِ مِنْ شَيْءٍ عَمِلْنَا بِهِ. فَأَهْلٌ بِالتَّوْحِيدِ «لَيْتِكَ اللَّهُمَّ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَيْتِكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ». وَأَهْلٌ بِالنَّاسِ بِهَا الَّذِي يُهْلَوْنَ بِهِ. فَلَمْ يَزِدْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ شَيْئًا مِنْهُ. وَلَزِمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَلِيَّتَهُ. قَالَ جَابِرٌ: لَسْنَا نَتَوَى إِلَّا الْحَجَّ، لَسْنَا نَعْرِفُ الْعُمْرَةَ. حَتَّى إِذَا أَتَيْنَا التَّيْتِ مَعَهُ، اسْتَلَمَ الرُّكْنَ. فَرَمَلَ ثَلَاثًا، وَمَشَى أَرْبَعًا. ثُمَّ قَامَ إِلَى مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ فَقَالَ «وَأَتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى». فَجَعَلَ الْمَقَامَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ التَّيْتِ. فَكَانَ

حاکم نیشابوری (۳۲۱-۴۰۵ ق) ج ۱، ص ۴۵۵.

ابن کثیر در کتاب «البدایة والنهایة» خود، بیشتر احکام حج را از این حدیث (حجة الوداع) استنباط کرده که مورد استفادة اهل سنت است.

متن حدیث جابر به نقل از سنن ترمذی
(۸۴) باب حجة رسول الله صلى الله عليه وسلم

۳۰۷۴ - حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ عَمَّارٍ. ثنا حَاتِمُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ. ثنا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ؛ قَالَ: دَخَلْنَا عَلَى جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ فَلَمَّا أَنْتَهَيْنَا إِلَيْهِ سَأَلَ عَنِ الْقَوْمِ. حَتَّى انْتَهَى إِلَيَّ. فَقُلْتُ: أَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ. فَأَهْوَى بِيَدِهِ إِلَى رَأْسِي فَحَلَّ زُرِّي الْأَعْلَى. ثُمَّ حَلَّ زُرِّي الْأَسْفَلِ. ثُمَّ وَضَعَ كَفَّهُ بَيْنَ تَدْتِيحٍ، وَأَنَا يُؤَمِّدُ غُلَامًا سَابَ. فَقَالَ مَرْحَبًا بِكَ. سَلْ عَمَّا شِئْتَ. فَسَأَلْتُهُ، وَهُوَ أَعْمَى. فَجَاءَ وَقَفْتُ الصَّلَاةَ فَقَامَ فِي نِسَاجَةٍ مُلْتَحِفًا بِهَا. كُلَّمَا وَضَعَهَا عَلَى مَنْكِبِي رَجَعَ طَرَفَاهَا إِلَيْهِ، مِنْ صِغَرِهَا، وَرَدَاؤُهُ إِلَى جَانِبِهِ عَلَى الْمِشْجَبِ. فَصَلَّى بِنَا. فَقُلْتُ: أَخْبِرْنَا عَنْ حَجَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. فَقَالَ بِيَدِهِ، فَعَقَدَ تِسْعًا وَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَكَتَ تِسْعَ سِنِينَ لَمْ يُحَجَّ.

لَأَبْدِ الْأَبْدِ». قَالَ وَقَدِمَ عَلَيَّ بُدَيْنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَوَجَدَ فَاطِمَةَ مَعَنَ حَلَّ وَ لَيْسَتْ تِيَابًا صَيِّغًا وَكَتَحَلَّتْ. فَأَنْكَرَ ذَلِكَ عَلَيْهَا عَلِيٌّ. فَقَالَتْ: أَمَرَنِي أَبِي بِهَذَا. فَكَانَ عَلِيٌّ يَقُولُ، بِالْعِرَاقِيِّ: فَذَهَبْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُحَرَّشًا عَلَى فَاطِمَةَ فِي الْيَدِ صَنَعْتُهُ. مُسْتَفْتِيًا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْيَدِ ذَكَرَتْ عَنْهُ، وَ أَنْكَرْتُ ذَلِكَ عَلَيْهَا. فَقَالَ: «صَدَقْتَ. صَدَقْتَ. مَاذَا قُلْتَ حِينَ قَرَضْتَ الْحَجَّ؟». قَالَ: قُلْتُ: اللَّهُمَّ! إِنِّي أَهْلٌ بِمَا أَهْلٌ بِهِ رَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. قَالَ «فَإِنَّ مَعِيَ الْهَدْيَ، فَلَا تَحِلُّ». قَالَ: فَكَانَ جَمَاعَةُ الْهَدْيِ الَّذِي جَاءَ بِهِ عَلِيٌّ مِنَ الْيَمَنِ وَالَّذِي أَتَى بِهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنَ الْمَدِينَةِ مِائَةً. ثُمَّ حَلَّ النَّاسُ كُلُّهُمْ وَ قَصَرُوا، إِلَّا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ مَنْ كَانَ مَعَهُ هَدْيٌ. فَلَمَّا كَانَ يَوْمُ التَّرْوِيَةِ وَ تَوَجَّهُوا إِلَى مِثْنِ، أَهْلُوا بِالْحَجِّ فَزَكِبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَصَلَّى بَيْنِي الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ وَالْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ وَالصُّبْحَ. ثُمَّ مَكَتَ قَلِيلًا حَتَّى طَلَعَتِ الشَّمْسُ. وَ أَمَرَ بِقَيْتِهِ مِنْ شَعْرِ فَضُرِبَتْ لَهُ بِبَيْرَةِ. فَتَسَارَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. لَا تُشْكُ قُرَيْشُ إِلَّا أَنَّهُ وَاقِفٌ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ أَوْ الْمَزْدَلِفَةِ كَمَا كَانَتْ قُرَيْشُ تَصْنَعُ فِي الْجَاهِلِيَّةِ اتَى عَرَفَةَ فَوَجَدَ الْقَبَةَ مِنْ شَعْرِ فَاحَارَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى ضُرِبَتْ لَهُ بِبَيْرَةِ، فَنَزَلَ بِهَا. حَتَّى

أَبِي يَقُولُ (وَلَا أَعْلَمُهُ إِلَّا ذَكَرَهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ): إِنَّهُ كَانَ يَقْرَأُ فِي الرَّكَعَتَيْنِ: «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» وَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ». ثُمَّ رَجَعَ إِلَى التَّيْبِ فَاسْتَلَمَ الرُّكْنَ. ثُمَّ خَرَجَ مِنَ النَّبَابِ إِلَى الصَّفَا. حَتَّى إِذَا دَنَا مِنَ الصَّفَا قَرَأَ «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ». تَبَدُّأُ بِمَا بَدَأَ اللَّهُ بِهِ فَتَبَدُّأُ بِالصَّفَا، فَرَفَى عَلَيْهِ، حَتَّى رَأَى التَّيْبَ، فَكَبَّرَ اللَّهُ وَ هَلَّلَهُ وَ حَمِدَهُ وَ قَالَ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْاِحْمَدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ». ثُمَّ دَعَا بَيْنَ ذَلِكَ وَ قَالَ مِثْلَ هَذَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. ثُمَّ نَزَلَ إِلَى الْمَرْوَةِ فَمَشَى حَتَّى إِذَا انْصَبَّتْ قَدَمَاهُ، رَمَلَ فِي بَطْنِ الْوَادِي، حَتَّى إِذَا صَعِدْنَا (بِغْنِي قَدَمَاهُ) مَشَى حَتَّى أَتَى الْمَرْوَةَ. فَفَعَلَ عَلَى الْمَرْوَةِ كَمَا فَعَلَ عَلَى الصَّفَا. فَلَمَّا كَانَ آخِرُ طَوَافِهِ عَلَى الْمَرْوَةِ قَالَ «لَوْ أَنِّي اسْتَقْبَلْتُ مِنْ أَمْرِي مَا اسْتَدْبَرْتُ لَمْ أَتِي الْهَدْيَ، وَ جَعَلْتُهَا عُمْرَةً فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ لَيْسَ مَعَهُ هَدْيٌ فَلْيَخْلِلْ وَ لِيَجْعَلْهَا عُمْرَةً». فَحَلَّ النَّاسُ كُلُّهُمْ وَ قَصَرُوا، إِلَّا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ مَنْ كَانَ مَعَهُ الْهَدْيُ. فَقَامَ سُرَاقَةُ بْنُ مَالِكِ بْنِ جُعْشَمٍ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَلِغَامِنَا هَذَا أَمْ لِأَبْدِ الْأَبْدِ؟ قَالَ، فَتَبَّكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَصَابِعُهُ فِي الْأُخْرَى وَ قَالَ «دَخَلَتِ الْعُمْرَةُ فِي الْحَجِّ هَكَذَا» مَرَّتَيْنِ «لَا، بَلْ

وَ ذَهَبَتِ الصُّفْرَةُ قَلِيلاً. حَتَّى غَابَ الْقُرْصُ. وَ
 أَرْدَفَ أَسَامَةَ بْنَ زَيْدٍ خَلْفَهُ، فَدَفَعَ رَسُولُ اللَّهِ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَدْ شَنَّ الْقَضْوَاءَ بِالرِّمَامِ
 حَتَّى إِنَّ زَأْسَهَا لَيَصِيبُ مُورِكَ رَحْلِهِ. وَيَقُولُ بِيَدِهِ
 الْيَمْنَى «أَيُّهَا النَّاسُ! السَّيِّئَةُ، السَّيِّئَةُ». كَلَّمَا
 أَتَى حَبْلًا مِنَ الْجَبَالِ أَرْخَى لَهَا قَلِيلاً حَتَّى تَضَعَدَ.
 ثُمَّ أَتَى الْمُرْدَلِفَةَ فَصَلَّى بِهَا الْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ
 بِأَذَانٍ وَاحِدٍ وَإِقَامَتَيْنِ، وَلَمْ يُصَلِّ بَيْنَهُمَا شَيْئاً. ثُمَّ
 اضْطَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى طَلَعَ
 الْفَجْرُ. فَصَلَّى الْفَجْرَ حِينَ تَبَيَّنَ لَهُ الْمُسْبِحُ بِأَذَانٍ وَ
 إِقَامَةٍ. ثُمَّ رَكِبَ الْقَضْوَاءَ حَتَّى أَتَى لِلْمَشْرِقِ الْحَرَامِ.
 فَزَفِقَ عَلَيْهِ فَحِمِدُ اللَّهِ وَكَبِيرُهُ وَهَلَلُهُ. فَلَمْ يَزَلْ وَاقِفاً
 حَتَّى أَسْفَرَ جِداً. ثُمَّ دَفَعَ قَبْلَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ. وَ
 أَرْدَفَ الْفُضْلَ بْنَ الْعَبَّاسِ، وَكَانَ رَجُلًا حَسَنَ
 الشَّعْرِ، أَبْيَضَ، وَسَيْمًا. فَلَمَّا دَفَعَ رَسُولُ اللَّهِ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مَرَّ الظُّعْرُ بِخَيْرَيْنِ فَطَفِقَ يُنْظِرُ
 إِلَيْهِنَّ. فَوَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَدَهُ
 مِنَ الشَّقِّ الْأَخْرَى. فَصَرَفَ الْفُضْلُ وَجْهَهُ مِنَ الشَّقِّ
 الْأَخْرَى يُنْظِرُ. حَتَّى أَتَى مُحَرَّراً، حَرَكَ قَلِيلاً، ثُمَّ
 سَلَكَ الطَّرِيقَ الْوَسْطَى الَّتِي تُخْرِجُكَ إِلَى الْجَمْرَةِ
 الْكُبْرَى. حَتَّى أَتَى الْجَمْرَةَ الَّتِي عِنْدَ الشَّجَرَةِ.
 فَرَمَى بِسَبْعِ حَصِيَّاتٍ، يُكَبِّرُ مَعَ كُلِّ حَصَاةٍ مِنْهَا،
 مِثْلَ حَصَى الْحَذْفِ، وَرَمَى مِنْ بَطْنِ الْوَادِي. ثُمَّ
 انْصَرَفَ إِلَى الْمَنْحَرِ فَتَحَرَ ثَلَاثًا وَسِتِّينَ بَدَنَةً بِيَدِهِ،
 وَأَعْطَى عَلِيًّا، فَتَحَرَّمَ غَبَرَ، وَأَشْرَكَهُ فِي هَدْيِهِ. ثُمَّ

إِذَا زَاغَتِ الشَّمْسُ، أَمْرًا بِالْقَضْوَاءِ فَزَجَلَتْ لَهُ.
 فَزَكَبَ حَتَّى أَتَى بَطْنَ الْوَادِي. فَخَطَبَ النَّاسَ
 فَقَالَ «إِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ
 كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا، فِي شَهْرِكُمْ هَذَا، فِي بَلَدِكُمْ
 هَذَا. أَلَا وَإِنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الْجَاهِلِيَّةِ مَوْضُوعٌ
 تَحْتَ قَدَمَيْ هَاتَيْنِ. وَدِمَاءُ الْجَاهِلِيَّةِ مَوْضُوعَةٌ، وَ
 أَوَّلُ دَمٍ أَصَعُهُ دَمُ رَيْبَعَةَ بِنِ الْحَارِثِ (كَانَ
 مُشْتَرِضاً فِي بَنِي سَعْدِ، فَقَتَلَتْهُ هُذَيْلٌ). وَرَبَا
 الْجَاهِلِيَّةِ مَوْضُوعٌ، وَ أَوَّلُ رَبَا أَصَعُهُ رَبَانَا، رَبَا
 الْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، فَإِنَّهُ مَوْضُوعٌ كُلُّهُ. فَاتَّقُوا
 اللَّهَ فِي النَّسَاءِ، فَإِنَّكُمْ أَخَذْتُمُوهُنَّ بِأَمَانَةِ اللَّهِ وَ
 انْخَلَلْتُمْ فُرُوجَهُنَّ بِكَلِمَةِ اللَّهِ. وَإِنَّ لَكُمْ عَلَيْهِنَّ
 أَنْ لَا يُوطِئَنَّ فُرُوجَكُمْ أَحَدًا تَكَرَّهُوهُ، فَإِنْ فَعَلْنَ
 ذَلِكَ فَاضْرِبُوهُنَّ ضَرْباً غَيْرَ مَبْرُوحٍ. وَ لَهِنَّ عَلَيْكُمْ
 رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ. وَقَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ
 مَا لَمْ تَصِلُوا إِنْ اغْتَضَبْتُمْ بِهِ: كِتَابُ اللَّهِ. وَ أَنْتُمْ
 مَسْتَوْلُونَ عَلَيَّ، فَمَا أَنْتُمْ قَائِلُونَ؟» قَالُوا: نَشْهَدُ
 أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ وَ أَدَّبْتَ وَ تَصَحَّتْ. فَقَالَ بِأَصْبَحِهِ
 السَّبَّابَةِ إِلَى السَّمَاءِ، وَ يَنْكَبُهَا إِلَى النَّاسِ «اللَّهُمَّ!
 شَهِدْ. اللَّهُمَّ! اشْهَدْ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. ثُمَّ أَدَّنَ بِأَلَّا. ثُمَّ
 أَقَامَ فَصَلَّى الظُّهْرَ. ثُمَّ أَقَامَ فَصَلَّى الْعَصْرَ، وَ لَمْ
 يُصَلِّ بَيْنَهُمَا شَيْئاً. ثُمَّ رَكِبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى أَتَى الْمَوْقِفَ فَجَعَلَ بَطْنَ نَاقَتِهِ
 إِلَى الصَّخْرَاتِ وَ جَعَلَ حَبْلَ الْمِشَاءِ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ
 لِنَقَبِ الْعِبْلَةِ. فَلَمْ يَزَلْ وَاقِفاً حَتَّى غَرَبَتِ الشَّمْسُ

حجش را صحیح بجا آورده باشد، هر چند که در مذهب ما صحیح نباشد و در این مورد فرقی میان مذاهب اسلامی نیست.»^۲

آیا براسستی داستان اختلاف ما مسلمانان همچون داستان آن چهار نفر، فارس و ترک و رومی و عرب نیست که همه انگور می‌خواستند و هر کدام با لفظی آن را ادا می‌کردند، و ندانسته به جان هم افتاده بودند؟

پاورقی‌ها:

۱ - به نقل از مجله رساله الاسلام قاهره، سال ۸ شماره ۱، جمادی‌الآخر ۱۳۷۵، ص ۱۰۷-۱۰۵.
 ۲ - امام خمینی، تحریرالوسیله؛ مناسک حج (چاپ دفتر نشر فرهنگ اسلامی) ص ۱۲۸ و اینکه نظر امام خمینی این است که شیعه باید برای شیعه ذبح کند به این جهت است که هر کس باید اعمالش را طبق مذهب مورد اعتقادش آن هم بطور صحیح انجام دهد، و در مسئله ذبح و تسمیه، شرایط بعضی از فرق اهل سنت با شیعه فرق می‌کند، و الا امام خمینی صریحاً ذبیحۀ برادران اهل سنت را حلال می‌دانند و در تحریرالوسیله ج ۲۰، ص ۱۵۴ می‌فرمایند:

«در اینکه آنچه در دست مسلمان گرفته می‌شود مباح است، فرقی ندارد که مسلمان شیعه باشد یا سنی که معتقد به طهارت پوست مردار با دباغی است و ذبح اهل کتاب را حلال می‌داند و شرایطی را که ما در ذبح معتبر می‌دانیم رعایت نمی‌کند.»

أَمْرٍ مِنْ كُلِّ بَدَنَةٍ بِيَضْعَةٍ فَجُمِلَتْ فِي قِدْرِ قَطِيخَتِ. فَأَكَلَا مِنْ لَحْمِهَا وَ شَرَبَا مِنْ مَرَقِهَا. ثُمَّ أَفَاضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى النَّبِيِّ. فَصَلَّى بِمَكَّةَ الظُّهْرَ. فَاتَى بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ هُمْ يَسْقُونَ عَلَى زَمْرَمَ. فَقَالَ «انزِعُوا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ! لَوْلَا أَنْ يَغْلِبَكُمْ النَّاسُ عَلَى سِقَاتِكُمْ لَنَزَعْتُ مَعَكُمْ». فَنَاوَلُوهُ دَلْوًا فَشَرِبَ مِنْهُ.

جالب اینکه فریقین دو طواف واجب بعد از قربانی و تقصیر بجا می‌آورند که با یکی زنان حلال می‌شوند منتها شیعه آن را «طواف نساء» می‌نامد و اهل سنت آن را «طواف افاضه» و آنگاه بعضی به جهت اختلاف در اسم طواف، حج یکدیگر را باطل یا ناقص می‌پندارند، در صورتی که از نظر مراجع شیعه چون امام خمینی (رضوان الله علیه) اگر برادران اهل سنت حج خود را مطابق با مکتب خود درست بجا آورند، حجشان صحیح است و اعاده ندارد:

«اگر شخصی که سنی و مخالف شیعه است، حج بجا آورد و آنگاه حقانیت شیعه برایش روشن شود، واجب نیست که حج خود را اعاده نماید بشرط اینکه مطابق با مذهبش